

کتابخانه
تال جامع علوم انسانی

ایران‌شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۳۲) / ایرج افشار
- کتابهای تازه ایران‌شناسی / فریده رازی

۶۳۹- لوتری ایرانی و دیوان سعدی مورخ ۷۳۴

در سال ۱۳۲۲ قمری برای امور خیریه ایرانیان مقیم استانبول مقداری اشیاء قدیمی به لوتری (لاتاری) گذاشته می‌شود. مجری آن کار خیر اداره مریضخانه مظفریه و هیئت تجار ایرانیان بوده‌اند. عکس نسخه‌ای از ورقه‌ای که برای این مراسم چاپ شده بوده است درینجا چاپ می‌شود. خود یادگاری است از آنچه در آن روزگار برای مساعدت به ایرانیان مهاجر انجام می‌شود.

جزو اشیائی که به لوتری گذاشته شده بود نسخه‌ای خطی مورخ ۷۳۴ از دیوان سعدی (کلیات؟ بدایع؟) بوده است.

۶۴۰- کتابی درباره مصدق

کتاب «معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق» تألیف آقای محمد جعفری قنوتی را که از نشرات نشر قطره است دیدم. این کتاب برای مراجعان به احوال مصدق که نخواهند آنچه می‌خوانند مستند به نشر اول نوشته‌ها باشد مفید است. اما مسلماً برای کسانی که زمان انتشار اسناد را در فهم مباحث تاریخی مؤثر می‌دانند موجبات اشکال خواهد بود.

قسمت اول کتاب نوشته‌ای است گرد آمده توسط مؤلف تحت عنوان «داستان یک زندگی پر



نمبر
۲۴۸۴

لوتری

No
2484

اشیا قیمتی و محصول صنعتی حاصله ایران که چندین نفر
خیرخواهان بنبفعت امور خیریه ایرانیهای مقیم اسلامبول
اعطا کرده اند

لوتری مذکور بواسطه اداره مرضیخانه مطرفیه و

بیت تجار ایرانیان در اسلامبول منتقد شده است

قیمت ۲۰ غره و شش نقره انسانی

تاریخ ۲۹ شرب ۱۳۲۲ در تالار داخلی

مرضیخانه کشیده خواهد شد
این صندوق

عباسعلی آقا طهرانچی

درخان جعفریه



صورت‌اشیای کببه (لوتری) گذاشته شده است

۱	عسای ائبقة پولاد زر نشان	۲۶	ایضا
۲	دوربین مینا کاری آبی (آئیک)	۲۷	قلمدان با دوات کار ایران قره
۳	غلاف خنجر منبت کار ایران	۲۸	نابلوی دوطبقه بزرگ چهارجوبه
۴	خنجر پولاد با غلاف قره منبت		دار بامسای ماد موازل (فانو پاشا)
۵	آینه (آئیک) چهارجوب صدو	۲۹	نابلوی مصنوعی میوه با چهارجوبه
	و عاج منبت کار اصفهان		منبت
۶	آینه چهارجوبه (آئیک) کار ایران	۳۰	نابلوی کل دار ایضا
۷	سینی بزرگ منبت کار قدیم چین	۳۱	فیل برج
۸	سینی کوچک و سطحی کار قدیم چین	۳۲	دولچه بلور
۹	سینی مستطیل اشکال کار قدیم چین	۳۳	کندان بلور منهد
۱۰	مدالون چینی کل نشان	۳۴	شیرینی خوری کار ساقسویا
۱۱	شال کشمیر	۳۵	کداد چینی منهد
۱۲	شال کرمان	۳۶	شیرینی خوری بلور تراش
۱۳	قالی ابریشمی ایران	۳۷	شیرینی خوری اطلس زردوزی
۱۴	قالی ابریشم دیواری کار کاشان	۳۸	گرامفون بزرگ با پست و چهار
۱۵	قالی کرمان منقش تصاویر ایرانی	۳۹	گرامفون کوچک (بی قووان)
	قدیم (کار صنعتی آئیک)	۴۰	ساعت زنانه طلا
۱۶	قالی ایرانی	۴۱	سنباق دستمال کردن با فیروزه بزرگ
۱۷	سجاده دورو کار کردستان		ایرانی سرالماس و طلا کاری
۱۸	زردوزی بزرگ قدیم کار بخارا	۴۲	آنکشر زنانه با تکین فیروزه و
	(رومیزی ابریشمی)		الماسدار
۱۹	خط قدیم آران (۳۵۲ ساله)	۴۳	سنباق کوچک زنانه با فیروزه
	موسوم بدیوان جم با جلد قدیم		کوچک
	منهد شده)	۴۴	لوازم پیراهن (دوگه سینه ۳ عدد
۲۰	حافظ خطی		دوگه سردست با سروارید و فیروزه
۲۱	خط قدیم منهد (رنکی) از سال	۴۵	دوگه سردست طلای ایرانی یک جفت
	۱۲۰۹ هجری یکصد و سیزده سال	۴۶	سنباق سینه زنانه سه طلای ایرانی
۲۲	دیوان سدی خطی ۷۳۴ هجری	۴۷	جوراب ابریشم زنانه کار ایران
	۵۸۸ ساله	۴۸	چهارجوبه آینه آئیک ایران
۲۳	دیوان اتوری خطی	۴۹	کتاب خطی با تصویر
۲۴	حفه دوات سرس خراسان	۵۰	سجاده ایران
۲۵	قلمدان قدیمی کار ایران با تصویرات		

اشیای مذکور فوق‌زیاده بر دویست لبرای عثمانی قیمت دارد

۱۳۲۰ س.ی ایلوک ۲۶ نجی بازار کونی درسمادته
ایران خسته خانه سی حالوننده کشیده ایدلک و ایران محتاجین
منافه مخصوص اولق اوزره «مظفریه» خسته خانه سی هیئت
محترمه سی و ایران معتبران تجارانی طرفندن ترتیب ایدیلان
بیانقو بیلیندر.
فی ۲۰ خروش

LOTÉRIE

D'OBJETS DE VALEUR ET D'INDUSTRIE PERSANE

Offerte par quelques Philanthropes
AU PROFIT DES ŒUVRES
DE BIENFAISANCE
de la Colonie Persane, à Constantinople

Organisée par

L'EPHORIE DE L'HOPITAL MOUZAFFÉRIE
ET LE CORPS COMMERCIAL PERSAN
DE CONSTANTINOPLE

Prix: 20 Plastres ou Frs. 5

Tirage, le Dimanche 9 Octobre (n. s.) 1904
Dans la salle d'Entrée de l'Hôpital, à Stamboul

Trésorier: Mr. ABBAS ALI TÉHÉRANDJI
Djaférié Han, Stamboul

OBJETS MIS EN LOTERIE

- | | |
|---|---|
| <p>1- 1 Massue antique acier damasquiné</p> <p>2- 1 Jumelle émail bleu (antique)</p> <p>3- 1 Fourreau poignard ivoire sculpté antique travail persan</p> <p>4- 1 Poignard acier, fourreau argent travaillé.</p> <p>5- 1 Miroir avec cadre antique travail persan d'Isphahan incrusté nacre et ivoire</p> <p>6- 1 Miroir avec cadre antique travail persan.</p> <p>7- 1 Grand plateau décoratif vieux chine.</p> <p>9- 1 Plateau décoratif rectangulaire.</p> <p>8- 1 Moyen plateau décoratif vieux chine.</p> <p>10- 1 Médaillon porcel. décoré bouquets.</p> <p>11- 1 Châle cachemire</p> <p>12- 1 Châle Kirman.</p> <p>13- 1 Tapis soie persan.</p> <p>14- 1 Tapis soie Kechan pour le mur.</p> <p>15- 1 Tapis Kirman avec personnages persans anciens travail fin antique.</p> <p>16- 1 Tapis persan.</p> <p>17- 1 Tapis double faces Kurdistan.</p> <p>18- 1 Grande broderie ancienne (chemin de table soie) Boukhara</p> <p>19- 1 Manuscrit ancien persan (352 ans) Divan-Djami, reliure du temps (année 970 de l'Hégire) écriture encadrée d'or.</p> <p>20- 1 Manuscrit ancien Divan i Hafiz.</p> <p>21- 1 Manuscrit ancien avec enluminures (1200 Hégire) 113 ans.</p> <p>22- 1 Manuscrit ancien persan Saadi (734 Hégire) 588 ans.</p> <p>23- 1 Manuscrit persan Euvari.</p> <p>24- 1 Grand encrier marbre du Khorassan travail persan.</p> | <p>25- 1 Encrier porte plume (Kalandan) laque ancien persan avec figurines et décors.</p> <p>26- 1 Idem</p> <p>27- 1 Kalandan avec encrier persan argent.</p> <p>28- 1 Grand tableau à 2 crayons (encadré). signé Mlle Fano Pacha.</p> <p>29- 1 Chromo, fruits (encadré) retouché</p> <p>30- 1 Idem fleurs</p> <p>31- 1 Eléphant bronzé.</p> <p>32- 1 Sceau cristal, porte-fleurs</p> <p>33- 1 Jardinière, cristal doré.</p> <p>34- 1 Bonbonnière, imitation Saxe.</p> <p>35- 1 Jardinière faïence décorée.</p> <p>36- 1 Bonbonnière, cristal taillé.</p> <p>17- 1 Idem satin brodé.</p> <p>38- 1 Grand graphophone, avec 24 plaques.</p> <p>39- 1 Idem petit sans plaque.</p> <p>40- 1 Montre de dame, en or.</p> <p>41- 1 Epingle à cravate, grande turquoise persane, cabochon, montée or.</p> <p>42- 1 Bague turquoise montée or avec brillant.</p> <p>43- 1 Petite broche avec saphir et petites turquoises.</p> <p>44- 1 Garniture de chemise, 3 boutons & 1 paire manchettes, or avec perles et turquoises.</p> <p>45- 1 Paire boutons manchettes, or travail persan.</p> <p>46- 1 Petite broche, monnaie or persan.</p> <p>47- 1 Une paire de bas soie persan, dessin châle.</p> <p>48- 1 Miroir, cadre antique incrusté travail persan.</p> <p>49- 1 Vieux manuscrit persan, avec gravures.</p> <p>50- 1 Tapis persan.</p> |
|---|---|

LE TOUT D'UNE VALEUR DÉPASSANT 200 LIVRES TURQUES



فراز و نشیب» در احوال و اخلاق و جریانهای حکومت مصدق. این قسمت صد صفحه‌ای از کتاب را در بر گرفته است. بقیه کتاب که از پانصد صفحه در می‌گذرد تقریباً برگرفته‌هایی است از نوشته‌های مربوط به دوران حکومت مصدق، پس از کودتا، دوران احمدآباد که پس از انقلاب و زمانهای دیگر و در جاهای متنوع و مختلف و بعضی از آنها چند بار چاپ شده است. اما مؤلف محترم نه بالای این نوشته‌ها و نه ذیل آنها، نه در فهرست مندرجات بهیچوجه متذکر نیست که این نوشته‌ها نخستین بار هر یک در کجا و به دست کی و بالاخره مهمتر از همه در چه تاریخی چاپ شده بوده است. چون قصد و سعی‌شان ارائه کتاب تاریخ و آن هم کتاب مستند تاریخی بوده است پس ضرورت داشت هر مطلبی را از هر جا برداشته‌اند می‌نوشتند که از کجاست تا تمام افتادگیها و غلطها و احتمالاً تصرفات متوجه مرجع و خطاکار اصلی می‌شد.

ایشان مقادیری از خاطرات افراد را نقل کرده‌اند. بعضی از خاطرات مربوط به پیش از انقلاب است و بعضی مربوط به پس از آن. پیش از انقلاب، شاید خاطره‌نویس درباره مصدق طوری حرف می‌زد و پس از آن طور دیگر. بنابراین خواننده امروز و خواننده صد سال بعد ضرورت دارد بداند که آن نوشته در چه روزگاری گفته و در چه روزگاری نشر شده است تا بداند که میزان آزادی بیان چه بوده است.

مرجع نامه‌هایی که نقل شده است نیز معلوم نیست. از جمله عکس نامه‌ای مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۴۴ در صفحه ۲۹۰ چاپ شده است که گفته نشده خطاب به کیست و از کجا نقل شده است. طبیعی است که با این روش هویت اسناد مخدوش می‌شود.

دو فهرست از منابع درین کتاب آمده است. یکی برای صد صفحه مقاله نخستین یعنی مندرجات نوشته گردآورنده است. اما فهرست دوم فهرستی است کلی از مراجعی که مؤلف گفته است آن‌ها را دیده است، مانند اینکه «دوره کامل مجله آینده» که حکایت از ناقص بودن مشخصات آن مرجع می‌کند. در مورد کتب هم همین رویه دیده می‌شود. بطور مثال نام مؤلف کتاب «سیاست موازنه منفی» را نیاورده‌اند.

مندرجات این کتاب بطور کامل چنین است: بخش اول نوشته گردآورنده - بخش دوم نطقها، پیامها، مصاحبه‌ها - بخش سوم خاطرات افراد - بخش چهارم مباحثات، مطروحات پس از کودتا - پنجم نامه‌ها - ششم چند خاطرات دیگر - هفتم وفات و اشعار درباره شخصیت مصدق.

۶۲۱ - چند کتاب از هندوستان

ادبیات فارسی در هندوستان (به معنی قلمرو جغرافیایی و تاریخی آن، نه تقسیمات سیاسی

عصر جدید) آن چنان تأثیری را در فرهنگ اقوام مختلف آن سرزمین داشته است که در مراجع و کتب متعدد مانند «دائرةالمعارف ایندیکا» (تنظیم ادوارد بالفور در گذشته) و دیکسیونر مشهور به «هابسن جابسن» نموده‌های زیاد از آن اثرگذارها دیده می‌شود. مؤلفان انگلیسی و هندی ناگزیر بوده‌اند اسامی رجال و ادبای فارسی‌گو و خدمتگزار در دولتهای هندوستان را در آن مجموعه‌ها بیاورند و از کتابهای فارسی که بیشتر از چهارصد پانصد سال در آن کشور تصنیف شده است یاد کنند.

در چند سال اخیر دو کتاب مرجع که همین منظور را برمی‌آورد به رشته تألیف در آمده و آنها عبارت است از

Nabi - Hadi: Dictionary of Indo - Persian Literature. New Delhi, 1995. 757p.

درین فرهنگ اعلام حدود سه هزار و پانصد شاعر و نویسنده و متفکر و رجال دیوانی که فارسی‌نویس بوده‌اند معرفی شده است.

دیگری ترجمه کتاب مرآت الاصطلاح است که با عنوان

Encyclopaedic Dictionary of Medieval India

به ترجمه تسنیم احمد و مقدمه دکتر ضیاءالدین دیسانی انتشار یافته است. (چاپ دهلی ۱۹۹۳).

این کتاب حاوی اصطلاحات ادبی و اداری و فرهنگی مصطلح در تکلم و تحریر فارسی هندوستان است که برای فهم دواوین و ترسلات و کتیبه‌ها و سایر نوشته‌های فارسی دایره تمدن هند کارگشا و مرجع است.

دو کتاب هم از نوشته‌های دکتر سید ظل الرحمن که پزشک و مورخ در تاریخ پزشکی است به دستم رسیده است.

یکی «ایران‌نامه» نام دارد (علی‌گره، ۱۹۹۸) که به زبان اردوست و آن شرح سفر مؤلف به ایران است در ۱۹۹۵.

دیگری «رساله اطریلال» از حکیم عمادالدین محمود شیرازی است به فارسی (علی‌گره ۱۹۹۳). مؤلف در قرن دهم می‌زیست و از طبای نامور فارس بود. حکیم ظل الرحمن این رساله را برای نخستین بار با مقابله و تصحیح به چاپ رسانیده است.

IRANIAN STDIES — ۶۴۲

نام مجله‌ای است که از طرف انجمن مطالعات ایرانی در امریکا نشر می‌شود. این مجله از سال ۱۹۶۷ آغاز به انتشار کرد. در آن روزگار چند ایرانی پژوهشگر جوان، با چند هم‌تای امریکایی آن را پی نهادند.

مدیر کنونی R. D. McChesny است. او متخصص تاریخ دوران صفوی ایران و مسائل همعصر آن در ماوراءالنهرست. او در دانشگاه نیویورک تدریس می‌کند. کتابی دارد به نام وقف در آسیای مرکزی که نتیجه تحقیقات ممتد او برای اخذ درجه دکتری بوده است.

ایشان در نامه‌ای که اخیراً ارسال داشته همگان را آگاه کرده است که با مؤسسه Taylor and Francis Group قراردادی منعقد کرده‌اند تا از جلد سی و ششم (۲۰۰۳) ناشر مجله باشد. این مؤسسه در حال حاضر ناشر چند صد (بله چند صد) مجله تحقیقی در همه رشته‌های علمی است. گردانندگان انجمن چنین اقدامی را کرده‌اند که مجله دوام مسلم بیابد و نشرش در جهان آسان‌تر و وسیع‌تر شود.

درین نزدیکی شماره‌های ۳ و ۴ سال ۳۳ مربوط به سال ۲۰۰۰ مجله انتشار یافت. یعنی عقب‌ماندگی نسبت به سنوات انتشار خود دارد. در فاصله‌ای که تا انتشار نخستین شماره سال سی و ششم مانده است اعلام کرده‌اند که جلد سی و چهارم در یک مجلد زیر نظر مدیر مدعو خانم لیلا دپیا نشر خواهد شد و محتوی متن خطابه‌هایی خواهد بود که درباره نقاشی عصر قاجار در سمینار نیویورک ایراد شده بود. جلد سی و پنجم مربوط به سال ۲۰۰۲ در دو شماره منتشر می‌شود. یکی حاوی مقالات متنوع خواهد بود و دیگری ویژه ورزش ایران به نظارت هوشنگ شهابی.

۶۰

۶۲۳ - حکایتهای دهخدا

کتابی دیدم به نام بالا و به عنوان ریزتری زیر آن نوشته‌اند گزیده حکایتهای تربیتی از لغتنامه دهخدا. ناشر اندیشیده است که عنوان جعلی فریبنده درشت اصلی برای بیننده و سوسه‌انگیز خواهد شد و افراد آن را به تصور آنکه ریخته اندیشه و قلم دهخداست می‌خرند. اما کتاب مأخوذاتی است از قصه‌مانندهایی که ذیل نام اشخاص در لغتنامه آمده است. آنها برگرفته از مأخذ قدیمی است و به دهخدا ارتباطی ندارد. راستی روح دانشی مردانه دهخدا این‌گونه ترفندهای ناشران را چگونه باید تحمل کند. آیا در گور نمی‌لرزد. چه طور باید بر سیل بنیان‌کن کتاب‌سازی راه‌گرفت نمی‌دانم. شاید شرافت بهترین چاره است.

۶۲۴ - نسیمی از باغهای ایران

نام نمایشگاهی بود از حدود صد پرده نقاشی از نقاشان معاصر ایران که در گالری گتی Getty (بخشی است از کتابخانه عمومی شهر لوس‌آنجلس در پائین شهر آنجا) از ۲۰ آوریل تا ۴ اوت

A BREEZE FROM THE GARDENS OF PERSIA

New Art from Iran

**April 20-August 4, 2002
CENTRAL LIBRARY • Getty Gallery**

**Fifth and Flower Streets
Downtown Los Angeles**

Stunning contemporary works influenced by rich Persian culture and poetry—oils, watercolors, drawings, miniature paintings, and calligraphy—from 49 of Iran's finest visual artists, both men and women. Organized by the Meridian International Center in collaboration with the Tehran Museum of Contemporary Art and Tehran Arts University, this exhibition is a cultural exchange initiative with the Islamic Republic of Iran, the first of its kind in decades.

Explore the library's resources on Iranian culture, which include:

The Arts of Persia, edited by R.W. Ferrier

Arte Iranica, Belloni, Gian Guido

Modern Islamic Art: Development and Continuity,
Ali, Wijdan

Contemporary Art from the Islamic World,
edited by Wijdan Ali with the assistance of Suhail
Bisharat; foreword by HRH Prince El Hassan Bin Talal

Beauty in Arabic Culture, Behrens-Abouseif, Doris

Organized by the Meridian International Center in collaboration with the Tehran Museum of Contemporary Art and Tehran Arts University. Supported in Los Angeles, in part, by the National Endowment for the Humanities through a humanities programming grant made to the Los Angeles Public Library. Made possible in Los Angeles by the Library Foundation of Los Angeles. To support the Los Angeles Public Library, call (213) 228-7500 or visit www.lfla.org.

۲۰۰۲ به معرض نمایش در آمده بود. نام فرنگی را

A Breeze from the Gardens of Persia, New art from Iran

قرار داده بودند.

در ترتیب این نمایشگاه مرکز بین‌المللی مردین Meridian و موزه هنر معاصر تهران و دانشگاه هنر ایران مشارکت کردند. بنیاد ملی اوقاف خاص علوم انسانی امریکا کمک مالی به کتابخانه برای اجرا شدن کار کرده بود.

نمایشگاه از کارهای چهل و نه هنرمند نقاش و خطاط ترکیب شده. بخش اعظم آن نقاشیهایی است به سبکهای تازه‌ای که هر نقاش برای شاخص بودن سبک خود تخصیص داده است. رنگ در اغلب پرده‌ها چشمگیری دارد. منظره‌ها و موضوعها گوشه‌هایی از خاک و وطن را به بیننده یادآور بود. از بشره امریکائیهایی که دیدن می‌کردند مشخص بود که لذت برده بودند. شاید حیرت زده بودند ازین که ایرانی همیشه در هنر خالق و پویا و متجسس و صاحب وقار و بینش است.

پرده‌گاه گل مالی پرویز کلاتیری از منظره‌خانه‌هایی در یک دهکده نزدیک کاشان چندین جذبشان کرده بود که آن را بر ورقه معرفی نمایشگاه چاپ کرده‌اند. کارهای ترقیخواه و چهار قطعه نقاشی که محمد احصایی ظاهراً از کشش و دایرگردانی خط پرداخته است مرا به یاد دوستی دیرینم با او انداخت و آن صفایی که در اجرای سرلوحه‌های فصول مجله آینده انجام می‌داد، البته دو قطعه از خوشنویسیهای او هم در نمایشگاه بود. به این نمایشگاه پنج شش نقاشی به سبک بستنی (مینیاتور) از کارهای آقامیری هم آورده شده.

۶۲

۶۴۵ - نامه دکتر مصدق به عبدالمجید بیات

احمدآباد - ۱۰ مهر ماه ۱۳۳۹

قربان مجید عزیزم

از این پیشنهادی که کردی و میله آهن در راه پله گذارده شد هر وقت بالا و پائین می‌روم به تو دعا می‌کنم. چونکه هیچ کس نبود دست مرا بگیرد و هر دفعه احتمال پرت شدن بود و اکنون بدون عصا هم بالا و پائین می‌روم و یقین دارم از این طریق آسیبی به من نخواهد رسید.

قربان تو

در فتوکپی مرحمتی آقای عبدالمجید بیات مصدق، از عبارت دیگر ذیل نامه فقط کلمات «توسط آقای محبعلی» خوانده شدنی است.

۶۴۶ - تنفیذ لقب عزیزالدولگی

بر دیوار اطاق پذیرایی دوست گرامی دکتر ناصرالدین پروین در ژنو عریضه‌ای از عزیزالدوله (برادر خود ناصرالدین شاه) دیدم. چون نکته‌ای را از لحاظ تاریخ و اصول مربوط به القاب در بر دارد نقل می‌کنم که گریم سلیمانی در تألیف خود مندرج کند. خط متن عریضه تصور نمی‌کنم از عزیزالدوله باشد. ولی نوشته صدر آن به خط نستعلیق ناصرالدین شاه و از زمره خطوطی است که آن پادشاه با حوصله قلمی کرده است.

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم

تا به حال به همان اسم و رسم قناعت کرده جسارتی نشد. از شاهنشاه مرحوم لقب عزیزالدوله داشتم. الآن که در زیر سایه التفات شما هستم البته می‌باید بهتر از پیشتر از همه جهت بر کمینه بگذرد. الحمدلله شکر مرخدای را که تاکنون کمال مرحمت فرموده‌اید و چیزی که الآن باقی و لازم است بجهت میمنت و افتخار امضی داشتن لقب مرحمتی شاهنشاه مرحوم است که به دستخط مبارک در صدر عریضه آن را برقرار فرموده که به التفات اعلیحضرت شهریاری روحی فداه بین الامائل و الاقران مفتخر و سرفراز باشم.

خط نستعلیق ناصرالدین شاه

البته لقب عزیزالدولگی که شاهنشاه مرحوم التفات فرموده بودند ما هم مرحمت فرمودیم. البته جمیع مردم خانم عزیزالدوله خطاب کنند، ۷ شهر شعبان المعظم ۱۲۷۳.

۶۴۷ - صنایع دستی ایران

با شرمندگی می‌نویسم که جز قالی ایران متاعهای دیگری که در ایران به آنها صنایع دستی گفته می‌شود در بازارهای جهانی جلوه‌گری خاصی ندارد. زیرا مشتری ندارد. چرا مشتری ندارد. سببش بی‌حرمتی ما نسبت به هنرهای دستی کنونی است. در حالی که هر کهنه متاعی از دست ساخته‌های پیشین ایرانی دست به دست می‌گردد و در موزه‌های عمومی و مجموعه‌های خصوصی بر صدر نشانده می‌شود.

در کدام شهر مهم جهان است که چندین دکان از دست ساخته‌های هندی (حتی پاکستانی)، افریقایی، ژاپنی، چینی، امریکای مرکزی را نبینید. آن هم چه دکه‌های کوچک و ظریف که در خیابانهای اصلی و کوچه پس‌کوچه‌های شهرها و چه به صورت غرفه‌های چشمگیر در مغازه

بزرگهای پرآمد و رفت دیده می شود

من بر مشکلات و ممنوعات اقتصادی و سیاسی موجود آگاه نیستم تا بتوانم گفت که مسببات بی رونقی متاع ایرانی چیست، ولی چهل و چند سال پیش هم نمی دیدم که دست ساخته های ایران مقامی رونق افزا داشته باشد.

چهل و شش سال پیش که نخستین بار به پاریس رفتم با پیرمردی به نام قزوینی آشنا شدم که دکان قالی فروشی داشت. سالها بود در آن شهر می زیست و بدان پیشه دل بسته بود. چند تا قلمدان قدیمی و قاب آینه و قطعات خاتم و لاکیه های کهنه هم داشت. ازو پرسیدم چرا از جنسهای تازه ساخت نمی آورید. گفت مشتری ندارد. گفتم چرا. گفت برای اینکه بهترین ساخته های کنونی به دقت و ظرافت کارهای پیشینیان نیست. سرهم بندی کاری مشهود در دست ساخته های هموطنان هست. مثلاً قوطی سیگار از خاتم ساخته اند که به ظاهر دیدنی است ولی اندرون آن خالی از خلل نیست. قسمت پشت آن راکه دیده نمی شود و بر زمین گذاشته می شود از تخته سه لایی بدساختی پوشانده اند. پس از چندی قوطی در رطوبت هوای اینجا باد می کند و شکنج و تابی در آن حادث می شود. لاکیهایی که اکنون می سازند قابل قیاس با کارهای گذشتگان نیست. در کار آنها شیله پله ای نبوده متأسفانه اکنون هست. گفت دلیل بارزتر اینکه فرنگیهایی که به ایران می روند کمتر از دست ساخته های کنونی می خورند، غالباً دنبال به دست آوردن ساخته های قدیمی هستند.

۶۴

برادر همسر تقی زاده (یونگ) چند سالی پیش از انقلاب در برایتون (انگلیس) مغازه ای به نام «گلستان» تأسیس کرد و از جمله چیزهایی که می فروخت مقداری از اجناس دست ساخت ایرانی بود. برایم تعریف می کرد که متأسفانه صنایع دستی ایران در قبال کارهای هندی و حتی مصری رواج نمی یابد. می گفت من اسم مغازه ام را گلستان گذارده ام زیرا نامی است که می تواند معرف سعدی و فرهنگ ایران باشد ولی اشیاء ایرانی که سالهاست آورده ام به سختی فروش می رود. به قول قدما شیخ حجرة او شده بود.

فرنگیس یگانگی (شاهرخ) و بعضی از همکارانش بخوبی متوجه این نقیصه شده بودند و زحمتی در ایجاد سازمانی کشیدند که هنوز پابرجاست.

کتاب پژوهشی و کارآمد ولف آلمانی که سی و چند سال پیش به زبان انگلیسی انتشار یافت و شاید ترجمه هم شده باشد مورد توجه قرار نگرفت. کتاب زیبا و پرنگاری که پر کرده تألیفات آرتور پوپ و به سرمایه گذاری بانک ایران در ژاپون به طبع رسید چندان کاریگر نیفتاد.

صنایع دستی باید از چنان خصوصیت هنری و دیداری برخوردار باشد که بتواند بازار جهانی، به معنی واقعی داشته باشد و در کوچه و بازارهای ممالک راقیه در کنار کارهای ملل دیگر عرضه کننده صنایع دستی ما باشد و خودنمایی و چشم‌نوازی کند، یعنی پهلو بزند. ورنه این مقوله در قلمرو ایرانشناسی اقتصادی از درج کلام ساقط است.

۶۲۸- ریخته

در خاتمه «زمزمه وحدت» نگاشته باقیای نائینی و تألیف شده به نام شاه جهان که نسخه مورخ ۱۰۶۴ آن به شماره ۳/ ۱۰۲۲۶ در تاشکندست و عکسش را نزد امیرحسین پورجوادی در لوس آنجلس دیدم، چنین آمده است:

«بنابراین نغمات فارسی و هندی که مطابقت با یکدیگر داشت به اشعار فارسی و ریخته که به لغات اختلاط یافتن نغمات هندی در شعر فارسی و آوردن اصطلاحات راگ هندیان با تفکر شعری فارسی زبان اسلوب ریخته را موجب شد. هندی در توحیدالهی و نعت حضرت رسالت پناهی وارد طبیعت حق پرست فقیر می‌شد...»

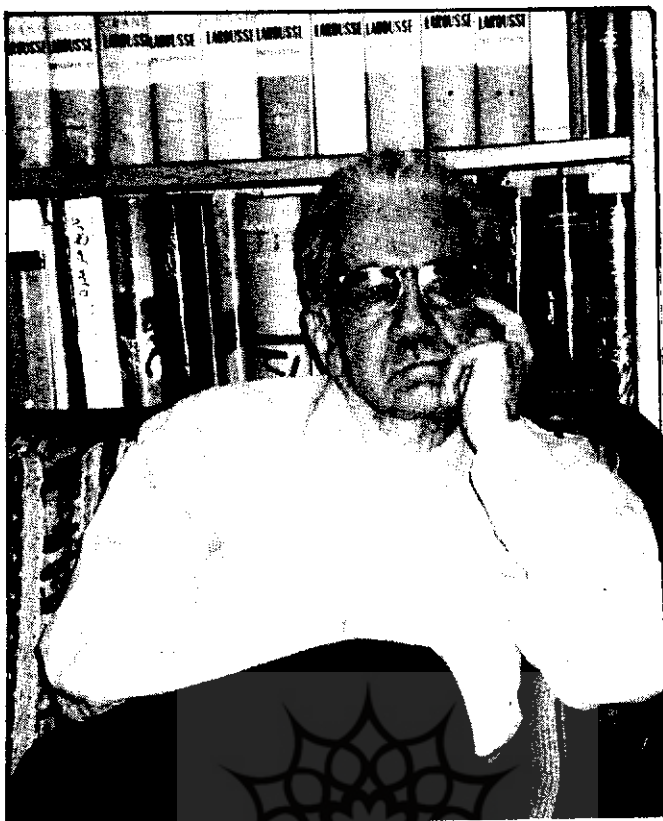
۶۲۹- دیوان حافظ ۸۰۸ و یاد رعنا حسینی

این اواخر نسخه‌ای از حافظ چاپ شده است که تاریخ آن را ۸۰۳ می‌دانند. اگر چنین باشد اقدم نسخ است. در جنگ شماره ۵۰۵ (در ازبکستان) ۵۳ غزل از حافظ مندرج است که سال تحریر آن مسلماً ۸۰۵ است.

مرحوم کرامت رعنا حسینی به چند ورق از حافظی دست یافته بود که تاریخ تحریر آن ۸۰۸ بوده است به خط میرعلی الکاتب. او این چند ورق آن را در مجله راهنمای کتاب معرفی کرده است (۱۰: ۵۸۰-۵۸۴). چون ندیده‌ام کسی از آن ذکری کرده باشد به یاد کرامت رعنا حسینی و تجلیل از زحمات او در نسخه‌شناسی این چند کلمه قلمی شد. یادش پایدار باد.

۶۵۰- صحافی اصفهانی

در کتابفروشی دهخدا در لوس آنجلس پانزده جزو از قران‌های مجید مخصوص مجالس ترحیم دیدم که کسی برای فروش عرضه کرده بود و صاحب کتابفروشی به من نشان داد. اجزاء به قطع رقعی بود. هر جزو جلد چرمی تیماج داشت و هر یک دارای ترنج بود و بالا و پائین هر ترنج مهری بیضی با سجع «ابراهیم بن محمدباقر» زده شده بود.



● دکتر مصطفی رحیمی (عکس از طبری ساطعی)

چون در همه جزوات یک صفحه به ضبط و قفنامه‌ای اختصاص داده شده بود که تاریخ ۱۲۸۱ داشت و تولیت میرزا محمدتقی بن میرزا لطف‌الله انصاری را نشان می‌داد می‌توان گفت که صحاف خوش سلیقه مذکور از اهالی اصفهان بوده است.

۶۵۱- درگذشت دکتر مصطفی رحیمی (زاده ۱۳۰۴)

دور از وطن از مرگ دوست همسالی آگاه شدم که همیشه با ذکر وطن می‌زیست. آن روزگار که کتابی در تحلیل قانون اساسی عصر مشروطیت برای مؤسسه انتشارات فرانکلین تألیف کرد برین تصور بود که جوانان را با مفاد آن آشنا کند و اهمیت فکری و بنیادی میراث مشروطیت را به آنان بشناسد تا قدر بدانند. چندین سال که در زمینه‌های فلسفی و نقد کتاب برای مجله راهنمای کتاب مقاله نوشت در عرضه کردن مطالبی کوشید که گفتن آنها را برای دل سپردگان به جریان روشنفکری ایران مفید می‌دانست. به تعبیر شاعران عصر صفوی از روشندان زمانه خود بود و چنانکه امروزه می‌گوئیم مردی روشن بود. به گفته دیگر از روشنفکران بود. بیگمان از نیک‌سرشتان دادگستری و از منوران اقلیم نویسندگی بود.

شعری که درباره بازگشت عقاب خانلری گفت هر چند قدرت پهلو زدن با آن منظومه بلند

همیشگانی نداشت صدایی و ندایی بود از ضمیر پاک او. در جریانهای دیگری که قلم را می‌گریانید همواره به آزادگی و قانون می‌اندیشید.

او از مردم نائین بود. سالهایی از دبیرستان را در یزد درس خوانده بود. پس از آن به دانشکده حقوق آمد. آنجا از هوای چپ استنشاق کرد. سپس به فرانسه رفت و به دریافت دکتری در رشته حقوق نایل آمد. در بازگشت مدارج عالی قضایی را در دادگستری طی کرد. اما کاری نبود که دلخواهش باشد. به قول ادیب الممالک از «ظلمیه» بیرون آمد و به وکالت پرداخت که او فرمانبری را بر نمی‌تافت.

او اهل قلم بود. چند ترجمه و تألیف و مجموعه مقالاتی از و چاپ شده است. یادش بماناد.

۶۵۲ - کنفرانس مطالعات ایرانی (۴)

چهارمین کنفرانس مطالعات ایرانی که هر دو سال یکبار به اهتمام انجمن مطالعات ایرانی تشکیل می‌شود در بتسدا (مریلند آمریکا) برگزار شد. من به لطف احمد جباری مدیر انتشارات مزدا دفترچه برنامه آن را دیدم و آگاه شدم ازین که چه کسانی در آنجا قرار بوده است خطابه بخوانند و چه ترتیبی برای محفلها و مجلسهای مختلف در آن تجمع پیش بینی شد بود. از ایرانیان، آنها که از ایران می‌بایست خود را برسانند نتوانسته بودند شرکت کنند. زیرا مصادف شد با وقتی که تصمیم دولت امریکا برندادن ویزا مراحل پایانی خود را گذرانده بود.

تعداد شرکت کننده ۲۲۹ نفر پیش‌بینی و نام‌نویسی شده بود. از میان آنها ۸۵ نفر اروپایی و امریکایی و از ملل دیگر بوده‌اند. چند افغانی هم شرکت می‌کرده‌اند.

طبقه ایرانشناسان خارجی شرکت کننده اغلب و طبعاً از نسل جدیدند که می‌باید جریزه و سلیقه و توانهای خود را به هم‌رهان بنمایانند و بتوانند به دانشگاهها معرفی شوند. شیخ طایفه آنها ریچارد فرای که اکنون رئیس انجمن مطالعات ایرانی است به مقتضای روحیه شاداب خود در سن هشتاد و چند سالگی شرکت کرده بود. چلکوسکی، هنوی، برت فراگتر، مایکل هیلمن، ریچارد تاپر، شارل ملویل، جان پری، توماس ریکس، پل اسپراکمن، گرنو ویندفور کم و بیش از قدمای دیگر این تجمع بوده‌اند.

موضوع‌های سخنرانیها و گروه بندیها بیشتر بر اطراف مباحث و مسائل اجتماعی و حرکات عمومی و سیاسی جامعه و امور توجه برانگیز نوپسندانه دور می‌زند. اگر کسی نوع این برنامه‌ها را با برنامه کنگره‌های شرق‌شناسی (بطور مثال کنگره بیست و پنجم مونیخ) مقایسه کند حیرت‌زده می‌شود ازین که چه گرایشهای آبکی و بی‌رمق در جهان تحقیقات پیش آمده است.

خدمات عمومی این دوره از کنفرانس با همکاری اتحادیه انجمنهای مطالعات فارسی زبانان و مؤسسه میراث فرهنگی «روشن» انجام شده است. آن طور که در دفتر برنامه منعکس بود بنیاد ایلکس هم مساعدتهایی به این تجمع کرده است.

۶۵۳- در جستجوی حسن

حسن تودشکی (تودشک نزدیک نائین است) و خانواده‌اش از سال ۱۹۶۰ به بعد چند سال برای یک خانواده آمریکایی به نام Ward که مدتی در ایران می‌بوده‌اند خدمت می‌کرده است. آنها در سال ۱۹۶۹ از و جدا می‌شوند و دیگر خبری از و نداشته‌اند. این امریکاییها در سال ۱۹۹۸ هوای حسن به سرشان می‌زند. چون می‌توانند اجازه ورود به ایران بگیرند به جستجوی حسن می‌پردازند. نشانه‌هایی که از او داشته‌اند نام آبادی، نام خانوادگی و یک قطعه عکس بوده است. با کوشش او را پیدا می‌کنند و عاطفه‌ای از خود بروز می‌دهند. فرزند بزرگ این امریکایی Terence Ward که در موقع اقامت در ایران نوجوانی بود کتابی از خاطرات خود از موقعی که به جستجوی حسن رفته بوده‌اند درباره سفر به ایران نوشته است که چند ماه پیش نشر شده. از جمله کتابهایی است که پنج ستاره گرفته است و «آمازون» طبق اعلام خود تاکنون نزدیک هفده هزار نسخه از آن فروخته و بهای نسخه‌های امضا شده کتاب به چند برابر قیمت روی جلد رسیده، و در ارزیابی انتقادهای رسیده به دریافت «پنج ستاره» نایل شده است. نام و مشخصات کتاب این است:

Searching for Hassan: An American Family's Journey Home to Iran. Houghton Mifflin, 2002. 336 p.

۶۸.

۶۵۴- بُن بست

کتابی است تنظیمی دوست دیرینه‌ام مصطفی فرزانه از چند نامه مرتضی کیوان (چاپ پاریس ۱۹۹۱). موقعی که نسخه‌ای از آن را به من لطف کرده بود خوانده بودم و نزد آرش در لوس آنجلس مانده بود. تازگی که آنجا بودم چشمم بدان افتاد. به یاد روزگاران جوانی و همصحبتی دلنشین با کیوان و همین فرزانه و دوستان دیگر دوباره به خواندنش پرداختم. فرزانه در مقدمه خود از سالهای ۱۳۲۶ به بعد یاد می‌کند و از یاران گذشته و درگذشته سخنها گفته است و نامه‌های کیوان به خودش را که از تیر ۱۳۲۹ تا ۲۵ آبان ۱۳۳۱ از تهران به پاریس به او نوشته بوده به چاپ رسانیده است. فرزانه به مناسبت اقامت خارج از ایوان توانسته آنها را نگاه‌داری و چاپ کند. او در کتاب دیگر خود به نام «عنکبوت گویا» (پاریس ۱۹۹۶) نوشته است: «حیف که بعد از اعدامش کاغذهایی را که برایم به پاریس فرستاده بود سوزاندم. در این نامه‌ها به

من زیاد اظهار لطف کرده بود و به این جهت از ترس اینکه مبادا به دست کسی بیفتد و به علت رابطه دوستانه با او برایم مایه بگیرند کاغذها را از سر خودم باز کردم...» (ص ۷۵).

من که در ایران می‌بودم ناچار شدم نامه‌های زیادی را که از و داشتم (شاید بیش از هر کس) همه را در چاه حیاط خانه سرازیر کنم تا به دست گزمه شهر نیفتد. خود کیوان چنین احتیاطی را کرده بود زیرا چندی پیش از محبوس شدن، بسته‌ای را به خانه من آورده و داده و رفته بود. آن بسته محتوی نامه‌های من به او و مجموعه عکسهای مشترکمان بود که در کوهنوردیها و گردشها و تجمعهای دوستانه و با یارانی که غالباً سرشان بوی قورمه‌سبزی می‌داد انداخته بودیم. این یادگارها را او با مردانگی از خود دور کرده بود تا به من صدمه‌ای وارد نشود. من هم ناچار شد آنها را از میان ببرم که در هر یک از نامه‌ها نام عده‌ای از دوستان مشترک مذکور بود.

کیوان در نخستین نامه‌اش (۲۴ تیر ۱۳۲۹) که به فرزانه به پاریس نوشته متذکر شده است دیگر اینکه در شماره آخر مجله شریفه بدیعه ماهیانه جهان نو شرح مبسوطی درباره آخرین کتاب منتشره شما اعنی... خواب و تعبیر آن چاپ شده است که حال عین آن را از مجله بریده به خدمت ارسال می‌دارم... فرزانه عکس آن قطعه بریده را در ضمایم کتاب آورده. چون به یاد نیاورده است که امضای کریم محمدی از کیست باید عرض کنم که از امضاهای قلمی این بنده بود که نقدهای خود در آن مجله را به دو سه امضای ناشناس از جمله کریم محمدی می‌نوشتم.

۶۵۵ - معنی نشر چیست

یکی از مشکلاتی که با ناشران وجود دارد و غالب مؤلفان بدان دچارند حبس شدن کتابشان به دست آن گروه است آن هم براساس قراردادی که به منظور «نشر» میانشان بسته شده است نه به منظور توقف و حبس کتاب. البته اگر کتاب را پرفروش نمی‌بینند حق دارند آن را چاپ نکنند، ولی آیا محق به آن هستند که آن را رها نکنند تا مؤلف بتواند خودش به چاپ برساند یا به دیگری واگذار کند. آیا محمل آنها خلاف مقتضای عقد نیست. یعنی بدان وسیله اضرار معنوی به مؤلف وارد نمی‌کنند. این امر به ناشران معمولی منحصر نیست. ناشران دولتی رفتارشان همان گونه است و صد مرحله بدتر.

۶۵۶ - اطلاعات نسخه‌های خطی

هاله کیله Hala Kaileh در مطالعه وسیعی که به وسیله کمپیوتر برای تهیه و تنظیم اطلاعات مربوط به نسخه‌های خطی کرده این جدول را به دست آورده و پیشنهاد کرده است:

مؤلف

کاتب

۱ مشخصات:

مالک

مجموعه

عنوان متن

عناوین ابواب

۲ عنوان کتاب:

عناوین فرعی ابواب

نام متن در انجامه

تاریخ کتابت

۳ انجامه:

محل کتابت

۷.

۶۵۷ - نامه مدرس

در کتابفروشی لوس آنجلس کتاب لوکس Esther's Childrem را دیدم با مشخصات ذیل:

A Portrait of Iranian Jews. By Human Sarshar. Beverly Hills, 2002.

درین کتاب عکس نامه‌ای به خط مرحوم مدرس دیده می‌شود. به احتمال آنکه در کتابهای مربوط به آن مرحوم چاپ نشده است متن آن را می‌آورم. متأسفانه کلمه‌ای از پایان نامه در عکس برای من قابل خواندن نبود. ضمناً نمی‌دانستم که مدرس وقتی به سفر رشت رفته بوده و این نامه حکایت از آن دارد که در رشت نوشته شده است. خطهای کج نشان دهنده پایان هر سطر در دستخط مدرس است

رشت

بسم الله الرحمن الرحيم / - خدمت با شرافت حکومت جلیله زحمت می‌دهم /

بقول اصفهانیه در مثل می‌گویند / خانم بالای تو را دیدیم آیا پائین تو چه باشد / دخالت شما در انتخابات خودمان / چه نتیجه داد که حال شکایت می‌کنند / دخالت در انتخاب یهود

بسم الله الرحمن الرحيم

منتهی بہر امت مکتوبت علیہذا عن مکتوب

پیر کی اصغر نیرا در مثل مرگ نہ
خانم با کدو تو ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰

و خالت شہادت نامہ

جبریل علیہ السلام کہ خال شہادت

و خالت در انجا یہ لہو و سر زانی

و خالت در انجا یہ لہو و سر زانی

و خالت در انجا یہ لہو و سر زانی

و خالت در انجا یہ لہو و سر زانی

می‌فرمائید/ من جرب المجرّب حلت به الندامه/ خواهشمندم حضرات یهود را به حال خود/ گذارید و بی‌طرفانه رفتار نمائید... (دو کلمه ناخوانا) فی ۲۳ شهر ذی الحجه ۱۳۴۴ مدرس

Manuscripta Orientalia — ۶۵۸

نام مجله‌ای بین‌المللی است خاص تحقیق در نسخه‌های خطی شرقی: فارسی، عربی، اردو (و دیگر زبانهایی که به خط «عربانه» می‌نویسند)، سانسکریت، مغولی، ژاپونی، چینی و جز آنها که توسط مؤسسه مطالعات شرقی (شعبه پطروگراد) انتشار می‌یابد و هفتمین سال آن به تازگی به پایان رسیده است. در هر سال چهار شماره منتشر می‌کنند و در هر شماره‌اش یکی دو تا مقاله که با نسخه‌های فارسی مرتبط باشد هست. بطور مثال در شماره چهارم سال هفتم مقاله‌ای از E. A. Rezvan (رضوان) درباره نسخه انجمن خاقان فاضل‌خان گروسی مندرج است (مورخ ۱۲۳۶). در همین مقاله بعضی ابیات فارسی از قطعه‌ای به خط نستعلیق نقل شده است. ولی در اغلب آنها اشتباه وجود دارد. بعضی از آن اشتباهات غلط چاپی است ولی مقداری هم عارضه بدخوانی است. بطور مثال (سعی کرده‌ام عین صورت مطبوع در آن مقاله را نقل کنم):
فتح و ظفر از غبار راست فزد (دوبار)

Conquest and victory arise directly from the ashes

در حالی که اگر «فتح و ظفر از غبار راحت خیزد» درست خوانده شده بود یعنی طبعاً طور دیگری ترجمه شده بود.

۷۲

۶۵۹ — تاریخ نسخه خطی

یکی از معایب فهرستهای نسخ خطی کتابخانه‌ها این است که معمولاً فاقد نام کسی است که نسخه به او تعلق داشته است. البته در بعضی از فهرستهای اروپایی یا توجه به اهمیت موضوع از لحاظ سرگذشت تملک نسخه، نام مالک پیشین را نقل کرده و گفته‌اند که آن نسخه بخشش اوست و یا خریده از او. اما در فهرستهای ایران اگر مجموعه اهدایی بوده (مانند مجموعه محمد مشکوة — محمد نخجوانی — ناصرالدوله فیروز — مجتبی مینوی...) ذکر نام اهداکنندگان شده است. ولی در مورد نسخه‌های خریداری شده این قید انجام نشده است. ظاهراً تصور شده است که چون مالک نسخه آن را فروخته و بهایش را گرفته است دیگر حقوق پیشین او ساقط شده است و حتی نامش را نباید آورد. توجه نداشته‌ایم که اگر بدانیم فلان نسخه روزگاری به نصرالله تقوی، مدرس رضوی، محمد قزوینی و ازین قبیل افراد تعلق داشته موجب اعتبار و باز شناختن اهمیت نسخه است. با این یادآوری پیشنهاد می‌شود در فهرستهایی که در دست تهیه است نام

اهدا کنندگان و مالکان پیشین و کسانی که نسخه از آنها خریداری شده است همه ذکر بشود و
ضمتی درین کار نشان داده نشود

۶۶۰ - IRANIAN STUDIES (جلد سی و سوم)

سی و سومین دوره مجله مطالعات ایرانی چاپ امریکا مربوط به سال ۲۰۰۰ در ژوئن
۲۰۰۲ انتشار یافت.

وقتی این مجله به اهتمام و ابتکار چند جوان محقق ایرانی و امریکایی در صفحات کمتری از
آنچه امروز هست، آغاز شد تصور آن نمی رفت که به مراحل مفید کنونی برسد. کاری متزلزل
دانسته می شد. ولی پائیند و مدیران متعدد به خود دید و توفیق خدمت به قلمرو ایرانشناسی
یافت.

دوره سی و سوم حاوی دوازده مقاله است و از جمله عده ای از آنها درباره تاریخ های محلی:
ادموند بوسورث (سیستان و تواریخ محلی) - ژولی میشمی (تاریخ در مقام ادبیات) - چارلز
ملویل (سه تاریخ محلی مازندران) - همو (تواریخ محلی فارس) - پول یورگن (تواریخ محلی
هرات) - همو (تواریخ اصفهان: محاسن اصفهان مافروخی) - پروانه پورشریعتی (تاریخ نگاری
محلی و تاریخ بیهق) - کریستف ورنر (تاریخ تبریز نادر میرزا).

دیگر مقالات مرتبط به دوره های قاجاری و مسائل اجتماعی عهد نزدیک به ماست.

آنچه درین مجله بیشتر بدان توجه می شود بخش معرفی و انتقاد کتاب است. این بخش در
چند سال اخیر گسترش گرفته است. گواه آن که هفتاد و یک کتاب را درین دوره معرفی و نقد
کرده اند.

بیشتر کتابهایی که به معرفی و نقد در آمده در مباحث اجتماعی و اموری است که به
دوره های قاجاری و پهلوی ارتباط دارد. غالب معرفیها و نقدها به قلم کسانی است که با موضوع
کتاب آشنایی کافی دارند.

نکته ای که بار دیگر باید بدان پرداخت این است که توجه و عنایتی چنانکه باید به کتابهای
منتشر شده به زبان فارسی بشود نمی شود. در میان این هفتاد و یک کتاب فقط دو کتاب از نوشته
شده های به فارسی نقد شده است. در حالی که تصور می رود ایرانشناسان کنونی غرب احتیاج
زیادتری به آشنایی با انتشارات ایران دارند. نباید بی خبر بمانند.

در مقاله «هفت قلم آرایش» (به قلم فاطمه سودآور) «هر هفت» به همان معنی آورده شده
است. ما آنچه در متون کهن مصطلح است «هر هفت کرده» است.

در همین مقاله خاشاک را به معنی خال گرفته اند و به بیتی از ادیب الممالک (ص ۷۴۴)
استناد شده. اما خاک را خال خوانده اند.

۶۶۱- نامه‌ای از مصدق

چند سال پیش فرزندم بابک از عتیقه فروشی اوراقی خرید که متعلق به عین‌الممالک بود. در میان آنها یک نامه و یک کارت ویزیت را که از دکتر مصدق بود به برادر خود بهرام داده است. به تازگی آنها را نزد بهرام دیدم و مفید دیدم برای آن که آقای محمد ترکمان بتواند در جلد سوم نامه‌های مصدق بیاورد به نقل آن پردازم. عین‌الممالک برادرزاده مصدق و پدر دکتر احمد متین دفتری بود.

۲۲ اسفند ماه ۱۳۰۵

قربانت شوم امیدوارم ان‌شاءالله طاعات و عبادات حضرت عالی در این ایام رمضان قبول باشد. اگر چه فرموده‌اید که در این ایام حرکت کردن شبها قدری برای حضرت عالی راحت نیست ولی چون ناراحتی اسباب سعادت بنده خواهد بود استدعا دارم روز پنجشنبه ۲۵ اسفند برای غروب بنده را سرافراز فرمائید که افطار هم در اینجا صرف فرمائید. فقط حضرت آقای کمره و جناب آقای هرنندی تشریف خواهند داشت. زیاده عرضی ندارم.

دکتر محمد مصدق

در خصوص کار آقای معتمدالممالک بنده یک مرتبه دیگر هم که یک هفته قبل باشد شرحی نوشته‌ام، تاکنون آن شخص جوابی نداده است. ظاهراً این طور به نظر می‌آید که نمی‌خواهد جواب یأس بدهد.

مصدق السلطنه (روی کارت)

قربانت شوم بطوری که با تلفن عرض شده مقصود بنده این بود که دکتر اسکارت هم قبل از عمل حضرت مستطاب عالی را ملاقات نموده باشد. البته آقای دکتر شفاءالملک در این کار به طوری که می‌گویند ذی فن هستند و امید است که ان‌شاءالله به مبارکی عمل نموده و به طوری که مقصود است موفق گردید.

۶۶۲- شعر فارسی در مرز هندی

سونیل شرما S. Sharma از فضلی ایرانی‌شناس هندی و از زبان آموختگان مکتب حشمت مؤید که اینک در خدمت کتابداری دانشگاه هاروارد برای رشته زبان فارسی است کتابی درباره کیفیات شعر مسعود سعد سلمان منتشر ساخته است. امید می‌رود صاحب همتی به ترجمه آن پردازد. پیش ازین بدین شیوه درباره مسعود سعد کاری انجام نشده بود.

کتاب جزو نشریات Permanent Black Monographs: The «OPUS 1» Series انتشار یافته

است. این سلسله منفرداتی برای نشر پژوهشهای برجسته مربوط به آسیای جنوبی است که توسط محققان نسل جوان تهیه می‌شود. «همیشه سیاه»، نام ناشر کتاب است در دهلی. نام کتاب در زبان انگلیسی چنین است:

Persian Poetry at the Indian Frontier. Mas ud Sa'd Salmân of Lahore, 2000 208 p.

نگاهی به کتابشناسی تنظیمی مؤلف گویاست که او همه نوشته‌های اساسی را که در تحقیقات ایرانیان معاصر درباره مسعود سعد سلمان باید دید دیده است.

۶۶۳- وفات علی غفاری

نازنین مردی مدیر و مدبر، از دوستان صاحب ذوق دوست نواز- علی غفاری- در راه آمدن به موطن در آمستردام جان سپرد و تن سردش به ایران بازگشت. او در راه ایرانشناسی هم کوشی کرده بود و آن گردانیدن امور اداری و تشریفاتی نخستین کنگره جهانی ایرانشناسی بود که در سال ۱۳۴۵ در تهران در محل دانشگاه برگزار شد و چند روز جور یکصد ایرانشناس خارجی و ایرانی را تحمل کرد و آسایش آنها را به آبرومندی فراهم ساخت.

بعدها در شرکت نفت و در نخست‌وزیری چندین سال سمت منشی‌گری مخصوص هویدا را برعهده داشت. اما هیچگاه چیزی درباره هویدا نگفت. آنچه می‌دانست با خود به خاک برد. شنیدم عباس میلانی هم موفق نشد با او دیداری کند و سخنی از او بشنود. بنابراین مقداری از تاریخ را با خود به گور برد. یادش میان دوستان به مناسبت خلق و خوی انسانیش زنده است.

۶۶۴- خطط مقریزی

یکی از متون معتبر تاریخی عربی که درین دو ساله چاپ متشخص و ارزشمندی از آن توسط مؤسسه الفرقان انتشار یافت کتاب مشهور تقی الدین مقریزی است به نام الخطط والآثار در تاریخ و جغرافیای عمرانی و مدنی قاهره. چاپ قدیمی آن معروف به بولاق در قرن پیش نشر شده بود.

۶۶۵- درگذشت خالداف

انس خالداف تاتار در نوامبر ۲۰۰۱ در مولدش غازان درگذشت. او متخصص شناخت نسخ عربی و مؤسس مؤسسه شرق‌شناسی در مولد خود بود (جزو دانشگاه آن شهر). تحصیلات دانشگاهی او در پطرزبورگ انجام شده بود. سالها در شعبه مطالعات شرقی فرهنگستان علوم



● مرحوم علی غفاری (عکس از بابک افشار)

غازان کار کرده بود. چند سال بخش خاور نزدیک به ریاست او اداره می‌شد. دو جلد از فهرست نسخه‌های عربی آنجا تألیف اوست. در اواخر عمر به ترجمه قرآن به زبان تاتاری اشتغال داشت

۷۶

۶۶۶- امریک و بیلی

از درگذشت رونالد امریک R. Emerick انگلیسی استاد مشهور ایرانشناسی و مدیر بخش ایرانشناسی دانشگاه هامبورگ آلمان چندی پیش یاد شد، ولی فراموش شد گفته شود که او در اواخر عمر مقداری زیاد از کار خود را به تنظیم و نشر نوشته‌های بازمانده از سرهارولد بیلی موقوف کرده بود. ازین بابت که بیلی سمت استادی بر او داشت و امریک خود را وامدار بدو می‌دانست.

امریک فهرست کاملی از نوشته‌های بیلی را همراه با زندگی‌نامه آن مرد نامی آماده کرد. یکی از کارهای مانده بیلی سومین مجلد از Saka Documentms است که اصل آن اسناد به مجموعه پترزبورگ متعلق می‌باشد. این جلد به واژه‌نامه و فهرست‌ها اختصاص دارد. امریک همچنین قصد داشت چاپ عکسی از نسخه خطی ختنی کتاب «زمبستا» را به چاپ برساند. از کارهای میان مانده دیگر آن محقق سرشناس منتخبات آثار ختنی با تعلیقاتی دستوری است.

ولادیمیر کوشف V. V. Kushev ایرانشناس شوروی که در زیانشناسی دکتری گرفته بود و چهل سال محقق شعبه مطالعات شرقی پترزبورگ بود در اکتبر ۲۰۰۱ درگذشت. او سالهایی چند رئیس بخش افغانشناسی آنجا بود.

نوشته‌های او به زبانها و گویشهای سرزمینهای ایران و افغانستان مرتبط بود. از جمله دستور برای زبان فارسی نوشته بود. درباره نسخه‌های خطی زبان پشتو هم تجسس کرده و فهرستی از نسخه‌های مجموعه پترزبورگ به قلم او انتشار یافته است. عمده تألیفات او به مباحث زبان پشتو و فارسی متداول در افغانستان اختصاص دارد.

۶۶۸- از انتشارات خدا بخش لایبری (پتنه)

- Askari, S. H. - Amir Khusrau as a historian. 1992. 165 p.
- Askari, S. H. - On Awfi's Jawami - al Hikayat. 1995. 54 p.
- Sajjad Hosain (Sheik). - An orientl novel, Dastan - e Amir Hamza. 1992. 180 p.
- Behbahani, Ahmad. - India in the early 19th century. An Iranian travel account.

Translation of Mir'at ul - Ahwal - i Jahan numa. Translated by A. F. Haider 1996. 370 p.

□ Muhammad Fazil Khan (Hafiz). The Uzbek Emirates of Bukhara and Khulum in the early 19th century. Tarikh - i - Manazil - i Bukhara 1812 A. D.). Translated and dited by Iqtidar Husain Siddiqui. 1999. 52 + 48 p.

۶۶۹- نامهای جغرافیایی سفدی در ماوراءالنهر

فاضلی به نام Pavel B. Lurje (دانشجوی دوره دکتری برای زبانهای ایرانی در شعبه شرقشناسی فرهنگستان علوم روس - پترزبورگ) موضوع با ارزشی را در مقاله‌ای تحت عنوان Arabosogdica درباره ضبط نامهای جغرافیائی ماوراءالنهر به خط عربی عنوان کرده است. می‌دانیم بسیاری از نامهای آن منطقه به زبانهای سفدی و خوارزمی است. ایشان کوشیده است طرز انتقال نامهای آن آبادیها را از تلفظ سفدی به عربی و فارسی که در متون گذشته دیده می‌شود مورد طرح قرار دهد، از جمله وره خشه Varakhasha است که به صورت‌های افرخشی، ابرخشی، اورخشی، فرخشه ضبط شده است و نویسنده مذکور سفدی آن را برخشی دانسته است. یا نام آبادی نزدیک به دریاچه ایسی کول که در این قدامه «کثرمتر او» و در گردیزی کومبرکت و در حدود العالم کرمینکت ضبط شده. ولی او بنا بر دلائل زیانشناسی صورت کرمیرکت را که سفدی

است به معنی شهر رخ دانسته است. این دانشمند جوان واژه مایه هزار نام جغرافیائی نواحی ماوراءالنهر را در زبان سفدی می‌یابد.

۶۷۰- سلاطین گورکانی هند و ماههای ایرانی

در بیاض شماره ۱۰۸۹ کتابخانه خدابخش (پتنه هندوستان) که روزگاری متعلق به شاه جهان بوده است یادداشتی از آن پادشاه دیده می‌شود که در آن ذکر ماه‌های بهمن و خرداد شده است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - این مجموعه نفیسه بتاریخ بیست و پنجم ماه بهمن موافق هشتم شهر جمادی‌الثانیه سنه ۱۰۳۷ هجری که روز جلوس مبارک است داخل کتابخانه این نیازمند درگاه شد. حرره شهاب‌الدین محمدشاه جهان پادشاه ابن جهانگیر پادشاه بن اکبر پادشاه غازی ۲۵ خرداد سنه ۲ جلوس تحریر یافت. (نقل از صفحه ۵۰۹ خدابخش لائبریری مین قدیم و نادر فارسی مخطوطات، تألیف شایسته خان. پتنه، ۱۹۹۵، ص ۵۰۹).

۶۷۱- ایران و یهود

Wattls, James W.

Persia and Torah: The Theory of Imperial Authorization of the Pentateuch
(Symposium Series, Society of Biblical Literature, No. 17). 2001

۶۷۲- کتاب درسی در معرفی شرق‌شناسی

الکساندر لیون مک فی A. L. Macfie که از ترک شناسان است و آخرین کتابش «پایان امپراطوری عثمانی» نام دارد، اخیراً کتابی جمع و جور کرده است به نام «شرق‌شناسی: یک کتاب درسی».

این کتاب مجموعه‌ای است از نوشته‌های کسانی که عمیقانه درباره این رشته جنجال‌انگیز ولی فایده‌بخش مطلب نوشته‌اند، خواه در کتاب و خواه به صورت گفتار.

جمعاً سی و هفت قطعه از کتاب و مقاله درین مجموعه هست، از نوشته‌های جیمز میل (قرن نوزدهم)، هگل، مارکس و نیچه تا انور عبدالملک و ا. تیبری که از نخستین منتقدین بود و بالاخره ادوارد سعید مشهورترین آنهاست. نظریه مدافعان شرق‌شناسی مانند فرانسیسکو گابریلی ایتالیائی و برنارد لوئیس انگلیسی نیز در آن آمده است.

در پایان مقاله‌ای از بریان ترنر می‌آورد که جامعه‌شناس مارکسیست است و چنین عنوان دارد از شرق‌شناسی تا جامعه‌شناسی جهانی.

۶۷۳ - کتاب نوه ارباب کیخسرو شاهرخ

خاطراتش از خانواده خود و ایران به نام ذیل انتشار یافته است

Ramazani, Nesta. - The Dance of the Rose and the Nightingale. Syracuse, Syracuse

University Press. 2002. 302 p.

۶۷۴ - یادنامه فرنگی برای احمد تفضلی

تورج دریایی و محمود امید سالار همت کردند و یادنامه‌ای حاوی نوزده مقاله برای تجدید یاد از احمد تفضلی در سلسله انتشارات مزدا (امریکا) به چاپ رسانیده‌اند. این مجموعه در زمستان امسال نشر خواهد شد.

سیامک ادهمی: دربارهٔ مزدائیان و معتزله

ایرج افشار: چاپهای نسخه برگردان فارسی

داریوش اکبرزاده: دیو خشم و ایاتگار زریبان

ژاله آموزگار: پیمان

کارلو سرتی (ایتالیائی): نامه‌های مختوم به «ث» در شاهنامه

جمشید چلکسی: تلفیق علوم و مقدمات زردشتی. با توجه به دینکرد چهارم

تورج دریایی: داستانی تاریخی در سنت زرتشتیان

ریچارد فرای: داریوش و شاپور

بیژن غیبی: بعضی ملاحظات انتقادی دربارهٔ ارداویراز نامگ

جلال خالقی مطلق: دربارهٔ عنوان بهرام ساسانی

ابوالفضل خطیبی: دربارهٔ منبع داستان بیژن و منیژه

جلال متیتی: کوشنامه

محمود امید سالار: چاپهای شاهنامه و پژوهشهای متنی

ا. پانینو: دو نیرنگ زردشتی و توسل به نجوم

شهبازی، ع. شاپور: آیا گشتاسب با خواهر خود ازدواج کرده

فریدون وهمن: یادداشتهای ایرانشناسی

زهره زرشناس: واژه‌ای سغدی

۶۷۵ - تازه‌های دریائی

تورج دریایی با کوشایی بسیار - هم به فارسی و هم به انگلیسی - مقاله‌های تحقیقی خوب



● دکتر تورج دریایی عکس از طوبی ساطمی

و خواندنی انتشار می‌دهد. او بیگمان یکی از ایرانیان خجسته سرنوشتی است که در مقام استادی دانشگاه در امریکا (فلورتن لوس آنجلس) به معرفی علمی ایران باستان مشغول است. او یکی از سردبیران مجله ایران باستان است که به تازگی توسط مرکز نشر دانشگاهی انتشار می‌یابد و از مجله‌هایی است که می‌باید آینده روشنی داشته باشد.

دریائی اخیراً ترجمه‌ای از «شهرستان ایران» را با تحلیل تاریخی و تعلیقات جغرافیایی و فرهنگی و فهرستهای لغوی در سلسله انتشارات مزدا (سال ۲۰۰۲) منتشر کرده است. او از دیگر ترجمه‌های فارسی که ازین متن پهلوی شده یاد کرده است، چرا؟ درباره کار ارزشمند دریایی ریچارد فرای و گرنو ویندفور اظهار نظر ستایش آمیز کرده‌اند.

سه مقاله تازه که از و شناخته‌ام اینهاست:

یکی اهمیت سکه بوراندخت ساسانی در شناخت عقاید ساسانیان اخیرست به زبان انگلیسی مندرج در مجله مؤسسه آسیایی جلد سیزدهم (۱۹۹۹)

دیگر با نام «صورت جهان»: جغرافیا و تبلیغات پادشاهی در ایران باستان مندرج در Electrum، جلد ششم چاپ کراکوی ۲۰۰۲.

سومین مقاله بحثی است درباره تصورات روانشناسی ایرانیان باستان با توجه به مفاهیم بینائی - منی - مخ در نوشته‌های فارسی باستان و میانه، مندرج در مجله Indo - European

Studies جلد سی‌ام (۲۰۰۲)

یادداشتی به خط مهدی غفاری وزیر همایون از رجال دوره ناصری و مظفری در اوراق حسنعلی خان معاون الدوله به دستم آمد که درج آن مفیدست. از فرخ غفاری و بهرام غفاری متشکرم که آن را در اختیارم گذارده‌اند.

هو تعالی شأنه

به اعتقاد ناقص من هر چیزی در دنیا باید ثمری داشته باشد و اقدام به عمل بی نتیجه جزو سفاهت است، و غرض از تحریر من این مختصر را در این وقت شب پنجشنبه ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۳۰۹ از برای تذکار خاطر شخصی خودم از تاریخ احوال باطنی و درونی خودم است. و الاً مایوسم دیگران از این یادداشت من پندی گیرند و اندازی شنوند، به دلیل آنکه من به اندازه خود کتب نصایح قدما را قدری دیده و شنیده‌ام.

اما در امورات دنیوی جز از تجربیات خود که صدمه خورده و آدم شده و فهمیده‌ام و از بد کناره نموده به محاسن نزدیکی جسته‌ام نتیجه و حاصلی نبردم و شبیه این مثل مانند صورت و عکس خوشگلی است با حقیقت آن شخص و وجود و حضورش که اثری به صورت مترقب نمی‌شود و حضور و وجودش اسباب انقلاب خاطر است اگر چه صورت بهتر از وجود حاضر باشد.

خلاصه در این سنه مملکت ایران که عهد سلطان صاحب قران نیک دل خوش قلب دین دار حلیم ممسک مجرب ناصرالدین پادشاه چهارم قاجارست و وزیرش صاحب عباد اعنی علی اصغر بن محمد ابراهیم گرجی امین السلطان ثانی وزیر اعظم میرزا علی اصغر خان است این بنده مهدی بن فرخ غفاری تا یک درجه عظمی در میانه مردم زمان محسود اقران و امثال از جهات عدیده مذکوره است.

ولی هیچ کس جز خدا و خودم نمی‌دانم و نمی‌داند تا چه درجه بدحال و کج خلق و ناسلامت احوال و گرفتاریهای عدیده دارم و اگر این یادگار بعد از من بماند و صاحب نظری نظر نماید و منصفانه دقت کند خواهد دانست که در دنیا راحت نیست و اگر دو روز راحت است سه روز زیاده‌تر زحمت و صدمه است.

نمی‌توانم بگویم چه حالتی در این دنیا خوش است. زیرا که جز سیر عالم خودم سیر عوالم دیگر را نکرده و صحیحاً نمی‌دانم.

دلایل حسد به من اولاً قرب سلطان و ندامت پادشاه عصر است.

ثانیاً مهر باطنی وزیر عهد و مصاحبت به ایشان که امروزه در نمره اول و دوم دوستان حقیقی

ایشان محسوب و همین طور بطناً هر کار درجه اول یا دوم محرمیت و محبت قلبی ایشان را جلب نموده و دارا هستم.

ثالثاً مکتب علیرضاخان اقبال السلطنه رحمه الله بواسطه عیال من به من رسیده (یک سطر را سیاه کرده است). مال و مکتب در نزد آنها و سایر مردم عظم و مرتبتی پیدا کرده، بغض شدیدی در دل خویش و بیگانه احداث کرده است.

رابعاً حالت گفتار و شیرین کلامی من که خودم واقعاً نمی فهمم. آن هم به حسد جهال افزوده است.

دیگر امساک من است که دلیل نگاهداری مال دنیا می دانند.

دیگر اولادی فرخ خان امین الدوله و ملک شخصی خود من است که بر حسد مردم افزوده است.

دیگر...^۱ تربیت که متفوق الیه است: بعضی من را عاقل، بعضی مزور، بعضی صبر دارنده، بعضی طایفه دوست و غیره و غیره است. اما آنچه من از او خلاصی ندارم و بیشتر جان و آتش احوال و اوقات من است بنویسم.

در محرمیت سلطان و مرحمت او زحماتی من راست که مردم خارج بی خبرند.

اولاً به زبان بد و الفاظ رکیک که طبیعت و حالت من را منقلب می کند چه از شخص سلطنت و چه از عزیزالسلطان که مورد مراحم است شنیده و بردباری می کنم که هر یک در موقعش حالت مرگ می دهد، زیرا که در ظاهر اگر چه خود را به حالت خوش و خنده می دارم اما به ملاحظه رعایت صلاح وقت و بزرگان عهد است که این قسم را خوش دارند. البته باید دانست اجباری و غیرطبیعی و [۷] راحت است.

ثانیاً در مسافرت های همیشگی که عادت پادشاه با اقتدار ماست غالباً دوچار مخاطرات جانی از لگد یابو و پرت شدن از کوه و امراض سخت از خوردن آب شهرستانک که تصریحاً نمی توانم بنویسم و برف و سرمای جاجرود و ایر و مه مازندران و از همه سخت تر معاشرت با سلطان مقتدر است که هر دقیقه احتمال هزار قسم خسارت مالی و جانی می رود و در تمام عمر هر کس بخواهد مراقبت خدمت سلطانی که در راحت منزل و استراحت خواب و نهار و شام و انواع لذایذ محروم باشد

و به تجربه فهمیده ام یک روز ندیدن این پادشاه و دوری خدمت او فوراً اثر کرده از آب روی دیروزی می کاهد. خاصه با این وضع مسافرت شاه و عادت به سواریهای همه روزه که یا شخصاً

در حالت سفرم یا به فکر سفر گرفتار و محزون.

این صحیح است که هر سفری با سلطنت نمودن افتخارات بی اندازه دارد اما زحمات او را ادراک نکرده اند چه چیزی است.

اما محرمیت با وزیر اعظم را بگویم (دنباله را ننوشته است).

۶۷۷ - یازم محرم.

۱) پایان نسخه الملل فی الکلام در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۱۷۰۷ به سال ۵۹۵ (جلد پنجم): کان الفراغ من نسخه يوم الخميس احد عشر لیلال خلون من شهر محرم (بدون اضافه) مفتتح سنة خمس و تسعين و خمسمائة.

۲) پایان تفسیر ینابیع العلوم در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۲۹۶ به سال ۶۶۱ (جلد اول): و فرغت من کتاب... المسمى ینابیع العلوم علی يد محمد بن الحسين... الملقب حسام ختنی (بی نقطه)... فی اليوم العاشر من محرم سنة احدى وستين و ستمائة و هو اليوم المبارك المتبرک عاشورا و فيه سبعین عبدا... الرسول صلی الله علیه و علی آله و سلم.

۳) پایان طبیات سعدی در کتابخانه دولتی برلین به شماره ۳۴۵۱ (فهرست آنجا، عکس شماره ۳): بتاريخ شهر الله المبارك المحرم سنة ست و سبع مائة الهجرية علی انامل العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی و غفرانه ابوسليمان بن ابی الفضل الملقب بفخر البناکتی اللهم اغفر لصاحبه لکتابه و لمن قرأ منه و نظر فيه...

۴) پایان قصص الانبياء در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۴۴۵۹ به سال ۷۰۷ (فهرست جلد ۱۲): فی يوم الجمعة السابع و العشرين من شهر المکرم محرم مفتتح شهور سنة سبع و سبعمائه علی یدی... الضعیف داود ابن شيخ احمد الباسری (بی نقطه).

۵) پایان مثنوی در کتابخانه توبینگن به شماره ۵۶ (در تاریخ ۸۶۵ (فهرست تألیف موقت ص ۷۴): تم المجلد الثالث من مثنوی المعنوی المولی قدس سره فی صلوة العصر يوم الثلاثاء عشرین شهر المبارك محرم الحرام لسنة خمس و ستين و ثمان مائة الهجرية... علی يد... رکن الدین ابن علی بن اسمعیل الکرجیک (بی نقطه).

۶) در انجامة نسخه محاکمات قطب رازی (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۳۵۰) آمده:

است

«قد فرغ الفقير من زثر الكتاب بعون الله الكريم الوهاب ضحوة النهار الثامن و العشرين من شهر الله المحرم المکرم سنة أربع و ستين و سبعمائة بدمشق المحروسة عبدالواحد بن عبدالحمید بن مسعود.»